

مردم سالاری دینی؛ دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی

تأسیس نظام مردم سالاری دینی در ایران و موفقیت در تلفیق دین و سیاست یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی ایران است که از جمله نتایج و ثمره های مثبت آن، تحکیم نقش و جایگاه مردم در حوزه ی سیاست است.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این تصور بر دنیا حاکم بود که دین مربوط به حوزه ی فردیات است و ناتوان از شکل دهی و اداره ی تحولات سیاسی اجتماعی است. به عبارت دیگر، تصور بر آن بود که گرچه ممکن است دین بتواند امور فردی را مدیریت کند اما نمی تواند در اداره ی جامعه موفق باشد و اساسا دین را امری مربوط به حوزه ی فردی می دانستند و نقشی سیاسی اجتماعی برای آن قائل نبودند. از سوی دیگر، این تصور نیز بردنیا حاکم بود که لازمه ی مردم سالار بودن، حذف خداوند و دین از عرصه ی زندگی است. به عبارت دیگر، اینگونه تبلیغ می شد که لازمه ی مردم سالار بودن و نقش سیاسی اجتماعی برای مردم قائل شدن، حذف خداپایگی از زندگی، بویژه در حوزه سیاست، است.

در این شرایط، امام خمینی(ره) نهضت خود را درست در نقطه مقابل این دو تصور رایج شروع کردند، به گونه ای که ایشان در اولین بیانیه ی مبارزاتی شان در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ با شروع بیانیه ی خود با آیه ی شریفه «قُلْ أَنَّمَا اعِطُكُم بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ وَفَرَادَىٰ» مردم را به قیام برای خدا فرا خواندند. قیام برای خدا، قیامی که مبتنی بر حضور مردم در صحنه باشد، دو نکته و گزاره ی اصلی در این آیه شریفه است که در دقتا در نقطه ی مقابل آن دو باور رایج قرار دارند و مورد تأکید امام(ره) بودند. در همین چارچوب، امام(ره) در تمامی سیر مراحل شکلگیری، تکوین و پیروزی و حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره بر مبنای این دو گزاره ی اصلی بود که تحول آفرینی کردند. ایشان در ۲۲ مهر ۱۳۵۷ در پاریس در مصاحبه با فیگارو برای اولین بار در خصوص نوع نظام سیاسی آینده از «جمهوری اسلامی» نام بردند و در توضیح خصوصیات آن فرمودند که "حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ضوابط اسلام، متکی به آرای ملت" خواهد بود. امام(ره) در ادامه افزودند که "جمهوری به همان معنایی است که همه جا جمهوری است"، مراد از قید اسلامی هم این است که همه ضوابط دینی باید در این جامعه مراعات شود. ... تفاوت جمهوری اسلامی با جمهوری های دیگر این است که "این جمهوری بر یک قانون اساسی ای متکی است که قانون اسلام می باشد. اینکه ما جمهوری اسلامی می گوئیم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می شود، اینها بر اسلام متکی است و "اسلام در همه ابعاد قانون دارد و به همین جهت احتیاج به قوانین دیگری نداریم". لکن انتخاب با ملت است."

در همین راستا، امام(ره) همه ی انواع بدیل جمهوری اسلامی، از جمله جمهوری دموکراتیک اسلامی، جمهوری دموکراتیک خلق، حکومت اسلامی و... را رد کردند و اعلام کردند که "من به جمهوری اسلامی رأی می دهم نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر". از این پس نیز امام(ره) همواره بر نقش تعیین کننده و حضور مردم در صحنه تأکید داشتند، از جمله اینکه ایشان تأکید

داشتند که انتخابات در ایران صورت بگیرد و مردم در انتخابات نمایندگان خود برای امور مختلف قانونگذاری، خبرگان و... مشارکت داشته باشند و...

پس از امام(ره) نیز مقام معظم رهبری همواره بر نقش مردم و حضور آنان در صحنه تأکید داشته اند. به گونه ای که ایشان می فرمایند: "در اسلام مردم یک رکن مشروعیتند، نه همه ی پایه ی مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه ی اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می شود، استوار است. ... در مردم سالاری دینی و در شریعت الهی این موضوع مطرح است که مردم باید حاکم را بخواهند، تا او مورد قبول باشد و حق داشته باشد که حکومت کند." در واقع می توان گفت که مردم سالاری دینی حکومتی است که مبتنی بر دو پایه اصلی آموزه های اسلامی و مردم شکل گرفته است. بنابراین مشخص است که در چنین حکومتی، مردم نقش بی بدیلی دارند.

این اعتقاد راسخ به نقش و جایگاه مردم در نظام اسلامی سبب شد که طراحان قانون اساسی، در صدد ایجاد مکانیسمی برآیند که تضمین کننده نقش و جایگاه مردم در نظام برآمده از انقلاب اسلامی باشد. از این رو، آنان با تعیین عنوان جمهوری اسلامی برای نظام جدید، به این دغدغه و اعتقاد خود جامه عمل پوشاندند. حضور مداوم و مستمر مردم در صحنه های گوناگون مانند انتخابات، راهپیمایی و... و اهمیتی که مسئولان و به ویژه رهبر معظم انقلاب برای این امر قائل هستند، گویای این واقعیت بسیار مهم است که در نظام مردم سالاری دینی مردم از نقشی واقعی و تعیین کننده برخوردارند نه نقشی که صرفاً صوری و ظاهری باشد.

به عبارت دیگر، تکیه و تأکید نظام اسلامی به حضور مردم در صحنه و مشارکت آنان در زمینه های مختلف، از همان ابتدای پیروزی انقلاب، نقطه قوت انقلاب اسلامی و ضامنی برای عبور موفق آن از صحنه های مختلف بوده است و از همین رهگذر است که مردم احساس می کنند که در نظام اسلامی دارای جایگاهی واقعی هستند و از این جهت، کسی نمی تواند جمهوری اسلامی را به دیکتاتوری و بسته بودن عرصه ی مشارکت مردمی در آن متهم کند. کما اینکه ۸ سال جنگ تحمیلی جز با تکیه بر نیروی الهی عظیم نهفته در آحاد مردم میسر نبود، عبور از غائله ۱۸ تیر جز با حضور انقلابی و بموقع مردم در صحنه امکان پذیر نبود، تداوم ۸ ماه فتنه در سال ۸۸ نیز تنها با حضور حماسی مردم در ۹ دی بود که بساط اهل فتنه را از هم پاشید و در شرایط کنونی نیز، که به تعبیر مقام معظم رهبری در حساس ترین مرحله تاریخ یا پیچ تاریخی قرار داریم، همین تأکید و توجه به ظرفیت ها و نیروی نهفته در مردم از یک سو و تقویت این ظرفیت ها از سوی دیگر است که می تواند سرنوشت و آینده روشن تری را برای کشور رقم بزند.

از منظری دیگر می توان به تشریح این دستاورد انقلاب اسلامی پرداخت و گفت در حالی که در رژیم پهلوی مردم فاقد نقشی واقعی و تعیین کننده بودند، با پیروزی انقلاب و حتی در جریان مبارزات انقلاب، این مردم هستند که موتور محرکه اصلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می دهند. دقت در این بخش از سخنان محمدرضا شاه پهلوی که در مصاحبه با اوربانا فالآچی گفته است، بخوبی نوع نگاه رژیم شاه به مردم را نشان می دهد. شاه در آنجا گفت که در مملکتی که بیش از سه چهارم آن سواد خواندن و نوشتن ندارند، بهترین شیوه ی حکومت، سرسخت ترین دیکتاتوری هاست. یا اینکه ایرواند آبراهامیان، استاد ایرانی الاصل دانشگاه های امریکا، ارتش، دربار و بوروکراسی را سه پایه ی اصلی رژیم شاه می داند. یعنی ملاحظه می شود که اساسا مردم در رژیم پهلوی فاقد نقش و جایگاه درخور و تعیین کننده ای هستند. از درون اینگونه شرایطی انقلاب اسلامی در ایران متولد می شود و با ارئه ی الگویی موفق از تلفیق دین و سیاست، نه تنها به ادعای معتقدان به جدایی دین از سیاست مهر باطل می زند و به دین باوران نوعی اعتماد بنفس و روحیه ی خوداتکایی می دهد، بلکه با تعیین نقشی اساسی و بی بدیل برای مردم در حوزه ی سیاست نشان می دهد که از هرگونه دیکتاتوری مبرا است و می توان در عین خدا محور بودن، برای مردم نیز نقش و جایگاه درخوری قائل بود و اتفاقاً موفق نیز بود.